روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰-۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان
info@inn.ir

کاریکاتور

اینساید آرت

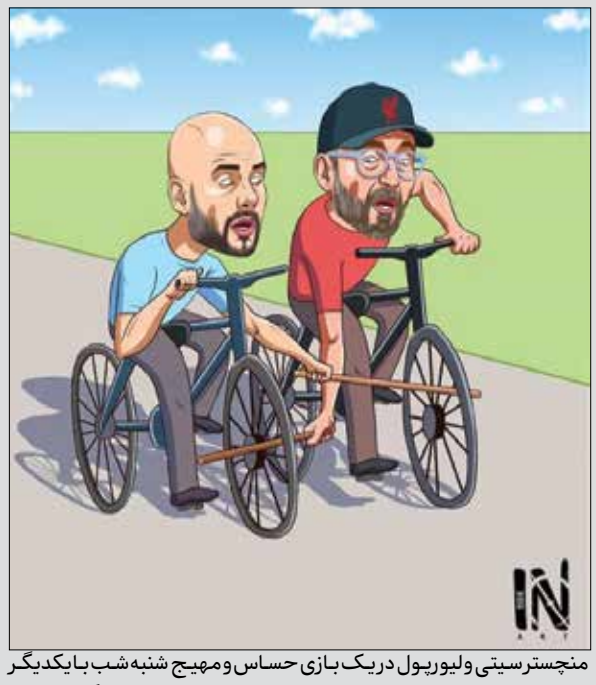

منچسترسیتی و لیورپول در یک بازی حساس و مهیج شنبه شب با یکدیگر مساوی کردند. بازی که بیشتر ضدتاکتیکی بود تا تاکتیکی و یورگن کلوپ و پپ گواردیولا سعی می‌کردند استراتژی تیم رقیب را خنثی سازند. انگار که چوب لای چرخ هم می‌گذاشتند.

ژائو فلیکس ۲۱ ساله شد

زادروز

رومینا تیموری

«موفقیت» تعبیر رؤیاهای بی‌پایانی است که به جای آسان به دست آوردنش توی عمیق‌ترین خواب‌ها، باید «بیدار» شد، خونِ دل خورد، زخمی شد، جنگید و بعد از هر بار شکست دوباره روی پا ایستاد و با سخت‌ترین تلاش‌ها از دلِ واقعی‌ترین حوادث زندگی، بیرونش کشید. «ژائو فلیکس» جدیدترین نمونه از نسل فوتبالیست‌هایی است که با پوسترهای «کاکا» توی اتاقش و با به خواب رفتن با پیراهن‌های «کریستیانو»، شب‌های پر از رؤیایش را به واقعی‌ترین روزها پیوند زد. از آن دست آدم‌هایی که بی‌توجه به فشارهای زیاد برای مقایسه شدن با بزرگ‌ترین ستاره‌های دنیا، با تلاش از تمام انتظارات پلی ساخت به سمتِ باشکوه‌ترین صحنه دنیا برای اجرای یک نمایشِ منحصر به فرد.

بازیکنی که هم پدر و هم مادرش مَعلم بودند تا بیشتر از هر چیز و هر کسِ دیگری نشان دهد که محصولِ آموزش‌های درست و انتخاب‌های به موقع است. پسری که از سن ۱۰ سالگی پا به آکادمی پورتو گذاشت و در آخرین سال حضورش، در حالی که به طور قرضی برای «پاردروئنسه» توپ می‌زد، یک تصمیم مهم گرفت و بعد از ۵ سال حضور در جمع آبی‌وسفیدها، لباسِ تیم رقیب یعنی بنفیکا را پوشید تا رؤیای «بهترین شدن» را توی پایتخت جست‌وجو کند؛ شهری که با دو سال بازی برای تیم بزرگش و تجربه حضور در فینال لیگ قهرمانان جوانان اروپا، در نهایت فلیکس را در سن ۱۷ سالگی به تیم اصلی رساند.

فقط یک فصل بازی برای قرمزهای لیسبون و درخشیدن در جمع عقاب‌ها کافی بود تا به جذاب‌ترین سوژه مورد بحث در فوتبال اروپا تبدیل شود. «کاکا» پرتغالی که بیشتر به خاطر ظرافتِ بازیش و نوع تکنیکش، چنین لقبی را از فوتبال‌دوست‌ها گرفت، در اولین و تنها سال حضورش در بنفیکا توی ۲۶ بازی،

۱۵ بار دروازه‌بان‌های تیم‌های مختلف رو تسلیم و لیگ پرتغال را فتح کرد. ستاره‌ای که با خلقِ یک هت‌تریک توی لیگ اروپا تبدیل به جوان‌ترین بازیکن این تورنمنت شد که دست به چنین کاری زده! نمایش خیره‌کننده فلیکس با لباسِ بنفیکا، بزرگترین تیم‌های اروپایی را برای تصاحبش به صف کرد اما این اتلتیکو بود که در نهایت با ۱۲۶ میلیون یورو، گاوصندوق خودش را برای جذبِ الماسِ پرتغالی خالی کرد تا فلیکس پا به «واندا متروپولیتانو» بگذارد. اما فراتر از بردنِ جایزه «پسر طلایی اروپا»، جذاب‌تر از یدک کشیدنِ لقب یکی از گران‌قیمت‌ترین بازیکن‌های دنیای فوتبال و حتی دلپذیرتر از تجربه فتح لیگ ملت‌های اروپا، قطعاً خاطره‌انگیزترین اتفاق برای پسر پرتغالی، در شب بازی با کرواسی و در ورزشگاه دراگائو رقم خورد. جایی که موفق شد اولین گل ملی‌اش را بعد از ۶ بازی به ثمر برساند تا بعد از یک فصل سخت و پر از فشار، نوید روزهای خوب آینده را به طرفدارانش بدهد.

اسکوچیچ پا به توپ شد

تمرینات تیم ملی فعلاً فضای پرنشاطی دارد. دیروز تیم ملی در ورزشگاه آزادی تمرین کرد تا برای بازی با بوسنی آماده شود. سرمربی تیم ملی هم با اینکه اضافه وزن دارد اما برای دقایقی خودش پا به توپ شد و با بازیکنان تیم ملی فوتبال بازی کرد.

هاشمیان آماده

وحید هاشمیان یکی از معدود فوتبالیست‌های بازنشسته فوتبال ماست که هنوز که هنوزه شرایط بدنی خوب خودش را حفظ کرده و می‌تواند پا به پای اعضای جوان تیم ملی بدود. قطعاً دعوت شده‌ها به اردو هم خیلی دوست دارند از تجارب او استفاده کنند.

سورپرایز هفته اول

هفته اول فوتبال ایران یک سورپرایز داشت و آن هم حضور علیرضا مرزبان روی نیمکت تیم سپاهان بود. مرزبان قرار است کمک مربی محرم باشد. او دیروز بالاخره قرارداد رسمی هم با باشگاه سپاهان بست تا حالا سپاهان در کنار مربی بی‌تجربه‌اش یک دستیار باتجربه داشته باشد.

اسکوچیچ؛ سوژه جدید اتهامات دلاری!

از دیگر رسانه‌ها

احسان محمدی

احتمالاً روی نقشه کره زمین نتوان کشور دیگری مثل ایران پیدا کرد که بسیاری از مردمش همانطور که درس اخلاق و معرفت و انسانیت می‌دهند، فرد دیگری که نمی‌پسندند را بدون سند و مدرک با اتهامات درشت متهم به فساد کنند. از لفت و لیس مالی گرفته تا منوی سفره و حتی روابط خصوصی با دلبرکان سودازده!

انگار نمی‌توانیم بدون اغراق در مورد چیزی یا کسی حرف بزنیم؛ اغراق در دوست داشتن، اغراق در نفرت ورزیدن.

لیست تازه تیم ملی ایران برای بازی دوستانه با بوسنی زمینه‌ساز اتهامات تازه به دراگان اسکوچیچ شده است. کسانی با اطمینان می‌گویند که دعوت از مهدی شیری یک سند بی‌نقص است که نشان می‌دهد او پول گرفته وگرنه وریا غفوری بی‌حرف و حدیث از او بازیکن بهتری است.

اردیبهشت ۹۷ وقتی کارلوس کی‌روش روی نام وریا و سیدجلال حسینی خط قرمز کشید، بسیاری گفتند و نوشتند که عملکرد و تجربه آنها غیرقابل انکار است، سیدجلال در حالی خط خورد که ستاره خط دفاعی تیم ملی بود، ۱۱۶ بازی ملی داشت، با گل سه امتیازی‌اش در تاشکند مسیر صعود را هموار کرد و از نگاه مجله معتبر فرانس فوتبال به عنوان یکی از ۳ مدافع برتر جهان در جریان بازی‌های مرحله مقدماتی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ انتخاب شد اما خط خورد. مجید حسینی و روزبه چشمی مسافر جام جهانی شدند و سیدجلال حتی برای نشستن روی نیمکت هم انتخاب نشد.

وریا وقتی از آن لیست خط خورد با انتشار ویدیویی سوزناک در اینستاگرامش فریاد زد: «آخرین سنگر سکوته...». همان موقع هم کسانی تند و تلخ به کی‌روش تاختند. عملکرد جانشینان این دو ستاره اما آنقدر ستودنی بود که حتی منتقدان قبل از جام هم ترجیح دادند خیلی یادشان نیاید که تا چه اندازه با سرمربی پرتغالی تندی کردند.

هیچ تورنمنتی را نمی‌شود مثال زد که همه روی لیست نهایی مسافران و ترکیب تیم توافق کرده باشند، همیشه حرف‌هایی وجود داشت، از تمایلات رنگی سرمربی تا بازیگوشی یک بازیکن و حتی سفارش عمو و مدیرعامل و...

شاید بتوان همه مردم جهان را در مورد اینکه اول مرغ به وجود آمد یا تخم‌مرغ متقاعد کرد اما هرگز نمی‌شود ۳۰ بازیکن را به اردوی تیم ملی دعوت کرد که همه روی آن توافق داشته باشند. همیشه بازیکنانی هستند که به نظر حق شان بود که در تیم ملی باشند اما یک نفر دیگر جایشان را گرفته است.

من هم اگر جای اسکوچیچ بودم وریا را به مهدی شیری ترجیح می‌دادم همانطور که فکر می‌کنم حامد لک از رشید مظاهری برای حضور در اردوی تیم ملی سزاوارتر است اما آیا این اختلاف نظر و سلیقه دلیل می‌شود که بدون سند و مدرک ادعا کنم لابد اسکوچیچ از دلال‌ها پول گرفته که یکی را دعوت کند و دیگری را نه؟ آیا عدم دعوت از وریا غفوری ریشه در سیاست دارد؟ نمی‌دانم!

مربیان فوتبال، نه الگوی اخلاق هستند و نه مدعی عرفان. در جامعه‌ای که بسیاری از مدعیان اخلاق و کسانی که دیگران را به قناعت و تقوا دعوت کردند، تشت‌شان از بام افتاد و با سند و مدرک مشخص شد که اتفاقاً خودشان دولُپی بیت‌المال را خورده‌اند، این تصور که اهالی فوتبال مثل زاهدان پاکدامن هستند، زیادی خوش‌خیالانه است.

جایی که پول بی‌حساب و کتاب و نظارت اندک وجود داشته باشد، حتماً رندانی هستند که از آب هم کره بگیرند اما آیا وقتی دیگری را به کج‌دستی متهم می‌کنیم، غیر از حدس و گمان، سند و مدرکی هم داریم؟

امه ژاکه سرمربی تیم ملی فرانسه اریک کانتونا و دیوید ژینولا دو ستاره بزرگ فوتبال این کشور را با خودش به جام جهانی ۱۹۹۸ نبرد ولی قهرمان جهان شد، همانطور که دیدیه دشان روی نام دیمیتری پایت خط کشید اما جام جهانی روسیه را برد، همانطور که یان اندرسون سرمربی تیم ملی سوئد، زلاتان بزرگ را با خودش به روسیه نبرد و... می‌توان لیست بالابلندی از این بازیکنان را ردیف کرد که به هر دلیلی سرمربی روی نام آنها خط کشیده است و مورد نقد قرار گرفته‌اند اما آیا به همین راحتی که در کشور مدعی اخلاق و انصاف اتهام رشوه و تبانی به مربیان زده می‌شود، به آنها هم این اتهامات زده شد؟

دراگان اسکوچیچ نه قدیس است و نه جایی مدعی شده مثل تارکان دنیا به پول و مال این جهان پشت کرده است اما آیا باید باور کنیم که او برای دعوت از مهدی شیری و خط کشیدن روی نام وریا غفوری چند هزار دلار رشوه گرفته؟ آن هم برای یک دیدار دوستانه که اهمیت خیلی زیادی ندارد.

او مثل هر انسانی ممکن است مرتکب خطا شود یا حتی نقشه و برنامه خودش را برای موفقیت داشته باشد، می‌توانیم نقدش کنیم اما این سبک اتهام‌زنی بی‌سند جز تیره کردن فضایی که به اندازه کافی آلوده، سیاه و ناامیدکننده است، چه سودی دارد؟ آیا باید باور کنیم نشانه وطن‌پرستی است و حمایت از تیم ملی؟

اگر کسی سند واقعی در مورد فساد مربیان کروات، کی‌روش یا حتی مربیان داخلی لیگ دارد به جای هوایی زدن‌های بزدلانه، با شجاعت آنها را رو کند «تا سیه روی شود هر که در او غش باشد».

پنهان کردن این اسناد، خیانت به مردم است. در غیر این صورت بهتر است عشق و تعصب باشگاهی‌مان را اندکی مهار کنیم چون هیچ کس از تیم ملی بزرگتر نیست. نه دراگان و نه وریا غفوری و حامد لک و...